

بررسی تحدید قلمرو عدالت مالیاتی  
در دو نظام مالیاتی جمهوری اسلامی ایران و انگلستان

احمد میرزا ایی الموتی

دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق عمومی

alamoooti@gmail.com

چکیده

در تاریخ هیچ رژیمی وجود نداشته که از شهروندان خود و یا اقوام و ملت‌هایی که احیاناً مغلوب او واقع می‌شدند، به مفهوم کلی کلمه، مالیات نگیرد. تنها نوع و مقدار مالیات و نحوه وصول آن متفاوت بوده است و اصل آن هیچ‌گاه متروک نمی‌شده است. دو وجه مشخصه در نظام حقوقی ایران و انگلستان در راستای تحقق عدالت مالیاتی وجود دارد. مورد اول زمان وصول مالیات است که مانند وصول فوری مالیات، تقسیط مبلغ مالیات، پرداخت علی‌الحساب و پیش‌پرداخت مالیاتی، قدرت عمومی مالیاتی را نشان می‌دهد و مورد دیگر از اقتدارات عدالت مالیاتی ایران و انگلستان برای وصول مالیات می‌باشد که درباره‌ی شیوه پرداخت مالیات است. همواره باید این نکته را مدنظر داشته باشیم که ظرفت و عدالت در اصول مالیات باید تا حدی رعایت شود زیرا کشور از یک سو نیاز به درآمدهای مالیاتی دارد و از سوی دیگر باید شرایط پرداخت کنندگان مالیات هم در نظر گرفته شود. ما در پژوهش حاضر، با روش تحلیلی توصیفی و با استمداد از ابزار کتابخانه‌ای به دنبال تحدید قلمرو عدالت مالیاتی در دو نظام مالیاتی جمهوری اسلامی ایران و انگلستان می‌باشیم.

**واژه‌های کلیدی:** مالیات، نظام مالیاتی، عدالت مالیاتی، حقوق ایران، حقوق انگلستان

**مقدمه**

تعاریف متعددی از مالیات شده است اما چند ویژگی خیلی مهم وجود دارد که طبعاً خصلت مالیات و تمایز آن را از دیگر نهادهای مشابه تعین می‌کند، مثلاً در بعضی از تعاریف مالیات: یک نوع پرداخت منظم و اجباری توسط مردم و بهموجب قانون مصوب پارلمان که توسط سازمان‌های اداری دولت وصول شده و صرف هزینه‌های عمومی می‌شود، دانسته شده است (ابوالطالب، ۱۳۸۹: ۸۸). مالیات، مهم‌ترین ابزار کسب درآمد دولت‌ها برای انجام وظایف مربوطه است. برین اساس مالیات از یکسو ابزاری برای تأمین مالی مخارج سرمایه‌گذاری و سرمایه در گردش دولت بوده و از سوی دیگر برای توزیع عادلانه ثروت و درآمد تک‌تک افراد کشور، تحت عنوان اثر باز توزیعی درآمد است. بدین ترتیب دولت‌ها با استفاده از ابزار دریافت انواع مالیات‌ها از افراد حقیقی و حقوقی کشور، درآمد لازم برای انجام فعالیت‌های حیاتی افزایش امنیت، بهداشت، آموزش، ایجاد زیرساخت و بستر فعالیت‌ها سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و... کشور را تأمین می‌کنند، همچنین برقراری نظام مطلوب و بهینه مالیاتی، موجب توزیع عادلانه‌تر درآمد و ثروت در بین افراد کشور می‌شود. باین ترتیب با دریافت نرخ‌های تصاعدی مالیات با توجه به درآمد و ثروت افراد جامعه (از یک سقف مشخص درآمدی)، از افراد پردرآمد و ثروتمند مالیات بیشتری دریافت می‌شود (موسیزاده، ۱۳۸۹: ص ۱۱۱). یکی از وابستگی‌های مالی مهم دولت خصوصاً در کشور ما درآمد حاصل از فروش ذخایر نفتی است. اینکه منبع اصلی درآمدهای دولت منابع نفتی باشد، باعث ضعیف‌تر شدن نظام مالیاتی می‌شود. به عبارت دیگر سهم مالیات از مجموع درآمدهای دولت کاهش پیدا می‌کند و اگر دقت کنیم همان مقدار کم نیز شکل دیگری از درآمدهای نفتی است. یعنی به دلیل اینکه نفت به جامعه تزریق شده است دولت یکبار دیگر همان منابع نفتی که به جامعه تزریق کرده است را با هزینه‌ی زیادی در قالب درآمدهای مالیاتی از مردم باز پس می‌گیرد و یک دور باطل در نظام اقتصادی که مبتنی بر منابع طبیعی است ایجاد می‌شود. آنچه در اغلب این کشورها به عنوان مالیات مشاهده می‌کیم، مالیات به معنای واقعی نیست، یعنی مالیاتی نیست که ناشی از تولید واقعی باشد بلکه بازگرداندن بخشی از پول‌هایی است که در گذشته به وسیله‌ی یک شبکه‌ی توزیع ناقص، نعادلانه و ناکارآمد دولتی در اختیار گروههای از مردم قرار گرفته و دوباره بخشی از آن با زحمت و هزینه سیار زیاد به دولت باز می‌گردد (اصاری، ۱۳۹۲: ص ۸۸).

به طور سنتی وضع مالیات در کشورهای در حال توسعه برای رسیدن به دو هدف است. اول امتیازهای مالیاتی و دیگر انگیزه‌های مالی مشابه به منظور تشویق سرمایه‌گذاری‌های خصوصی. این نوع امتیازهای مالیاتی نوعاً به سرمایه‌گذاران خارجی خصوصی برای تشویق آنها به ایجاد مؤسسات اقتصادی در کشورهای در حال توسعه اعطا می‌شود (آقایی، ۱۳۸۹: ص ۸۶). هدف دوم از وضع مالیات‌ها، تجهیز منابع به منظور تأمین مالی هزینه‌های دولت بسیار مهم‌تر است. توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی کشورهای در حال توسعه، بدون توجه به ایده‌های رایج سیاسی و اقتصادی آنها تا حد زیادی در گرو توانایی این کشورها

در ایجاد درآمدهای کافی برای تأمین مالی برنامه‌های ضروری و برنامه‌های خدمات دولتی فاقد درآمد، مانند بهداشت، آموزش، حمل و نقل، ارتباطات و دیگر اجزاء زیرساخت اقتصادی و اجتماعی است (قربانی، ۱۳۸۸: ص ۶۷). یکی از مهم ترین اهداف اخذ مالیات‌ها، کاهش شکاف بین درآمدهای طبقات ثروتمند و طبقات فقیر است. اصولاً توسعه به معنی به ارمغان آوردن رفاه اجتماعی برای توده‌های مردم است. توده‌های مردم، هنگامی از رفاه اجتماعی و اقتصادی برخوردار خواهند بود که توزیع درآمدها به صورت عادلانه صورت گیرد تا مردم عادی بتوانند نیازهای اقتصادی خود مانند مسکن، غذا، بهداشت و رفاه را تأمین کنند. در این حالت، کاهش نابرابری‌ها در توزیع درآمد و ثروت، نیازمند ابزارهای جدایانه است (قربانی، ۱۳۸۸). در اغلب کشورهای کمتر توسعه یافته، بنگاههای خصوصی بسیار کوچک هستند (حجم کوچک اقتصاد بخش خصوصی) و تنها تعداد محدودی از بنگاههای بزرگتر اقتصادی در گیر تولید کالاهای مصرفی هستند. (قاری، ۱۳۸۹).

دلیل اصلی محدود بودن فعالیت‌های اقتصاد بخش خصوصی در این کشورها، کمبود سرمایه است که از کمی پسانداز نشأت می‌گیرد. اگر سرمایه ای نیز وجود داشته باشد، به دلیل پایین بودن کارآیی سرمایه در بلندمدت، اکثر آنها در کانال‌های غیر مولد و کوتاه‌مدت مانند سفتة بازی و بورس بازی قرار می‌گیرند.

در این حالت، دولت می‌تواند با اعمال مالیات‌های مستقیم بر املاک، درآمد، زمین، دارایی، طلا، سود، ثروت، ارث و ... درآمدهای اضافی را جذب کند و در پروژه‌های مولد سرمایه‌گذاری به جریان بیندازد. بنابراین، مالیات‌ها وسیله مؤثری برای انتقال منابع از کاتال‌های غیر مواد به کاتال‌های مولد، از طریق سرمایه‌گذاری‌های عمومی است (قاری، ۱۳۸۹). مالیات‌ها باید بتواند، روند سرمایه‌گذاری در اقتصاد را اصلاح کند. یکی از وظایف مالیات‌ها در کشورهای در حال توسعه انتقال منابع از بخش خصوصی به بخش دولتی است؛ اما این به آن معنی نیست که مالیات‌ها به منظور ریشه‌کن کردن سرمایه‌گذاری‌های خصوصی اعمال می‌شود، بلکه بر عکس، مالیات‌ها باید سرمایه‌گذاری‌ها را تشویق و در مسیر مناسب هدایت کند. دولت‌ها باید بتوانند انگیزه‌های لازم را برای بنگاههای اقتصادی خصوصی ایجاد کنند تا صنایع تولید کننده کالاهای مصرفی و سرمایه‌ای فعالیت‌های خود را سطح و گسترش دهند. این امر موجب می‌شود که سود این واحدها افزایش یابد و مجددًا صرف سرمایه‌گذاری شود. مالیات‌ها باید حجم سرمایه‌گذاری تعیین شده برای سرمایه‌گذاری مجدد را کاهش دهد (نادران، ۱۳۸۷: ص ۱۳۴).

پرداخت مالیات از مهم‌ترین عوامل رشد و توسعه جامعه محسوب می‌شود و موجب رونق اقتصادی، تحقق عدالت اجتماعی، افزایش خدمات و عمران و آبادانی کشور می‌شود. در حال حاضر بخش عمده‌ای از اعتبارات و درآمدهای مالیاتی صرف عمران، آبادانی و امور زیربنایی کشور می‌شود. بازین رو ارتقای روزافزون نظام مالیاتی و همگام ساختن آن با دانش روز، نقش انکارناپذیری در توسعه اقتصادی کشور دارد (قاری، ۱۳۸۹: ص ۶۴). توسعه بیشتر نظام مالیات بر ارزش‌افزوده، بازنگری قوانین و مقررات

مالیاتی با در نظر گرفتن تغییر نیازها، اجرای طرح جامع مالیاتی و . . . از محورهای اصلی تحول نظام مالیاتی بوده است. تحولی که اصلاح موفق ساختار اقتصاد، توسعه فعالیت‌های تولیدی و توسعه کیفی بخش خدمات، گسترش پایه‌های مالیاتی و حذف معافیت‌های غیرضروری، رفع محدودیت‌های بودجه‌ای سازمان، تأمین نیروی انسانی، اتخاذ تمام تدابیر قانونی را به دنبال داشته باشد که این موارد خود نقش بسیار مهمی در ارتقای درآمدهای مالیاتی و درنتیجه توسعه و آبادانی کشور ایفا می‌کند. (نادران: ۱۳۸۷: ص ۱۲۶.)

تحقیق اهداف اقتصادی دولت به خصوص در بحث مالیات، نیازمند اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی است و مردم باید در خصوص نحوه دریافت مالیات، هزینه کردن و میزان تأثیرگذاری آن بر اقتصاد و عمران و آبادانی کشور اطلاعات و شناخت کافی داشته باشند. بنابراین اراده مردم، عمدۀ ترین نقش را در اجرای قانون مالیات‌ها ایفا می‌کند و به این لحاظ مؤثرترین عامل موقوفیت در اجرای این قوانین، فرهنگ مالیاتی جامعه است (قاری، ۱۳۸۹: ص ۶۵). شناخت حدود و ثقور نظام عادلانه مالیاتی و تحدید چگونگی اعمال راهکارهای مناسب در راستای دستیابی به عدالت عام مالیاتی، ضرورت مهم و اساسی است. از آنجایی که مالیات رابطه تنگاتنگ با اقتصاد دارد، پس مسلم است دستیابی به عدالت مالیاتی منتج به عدالت اقتصادی در اجتماع می‌شود و همین امر رضایت عمومی را به عنوان یکی از اركان اصلی توسعه اقتصادی به دنبال خواهد داشت. یکی از ضرورت‌های اصلی این پژوهش، بیان نمودن لزوم تدوین و تصویب این دادرسی مالیاتی می‌باشد. مدرّاً می‌توان گفت، هم‌اکنون چیزی به عنوان آین دادرسی مالیاتی در حد استانداردهای مناسب آن نداریم و آین دادرسی مالیاتی یا دادرسی مالیاتی در معنای یک نظام جامع که تمام مراحل، آین‌ها و قواعد شکلی رسیدگی به اختلافات مالیاتی در آن باشد در قانون مالیات‌های ما نیست و حتی در لواجع جدید هم اصلاحات جدی در این زمینه دیده نشده است؛ بنابراین سوال اصلی این تحقیق عبارت از دستیابی به نظام حقوقی مالیاتی در پرتو اصل عدالت مالیاتی در حقوق ایران و انگلستان چگونه میسر می‌شود؟

### روش تحقیق و گردآوری اطلاعات

این تحقیق تحلیلی - توصیفی می‌باشد و با استفاده از مجلات، کتب و نوشتارهای حقوقی و تحلیل دکترین گردآوری گردیده است و ابزار گردآوری اطلاعات: فیش‌برداری از کتب حقوقی، جلب نظر اساتید، استفاده از بانک‌های اطلاعاتی و مقالات الکترونیکی و مراجع حقوقی می‌باشد.

### مفهوم شناسی نظام حقوقی مالیاتی

آنتونی بی اتکینسن، اقتصاددان بر جسته انگلیسی سالهاست در زمینه نابرابری پژوهش‌های گسترهای انجام داده است. توجه هم‌زمان به مسائل تاریخی و تجربی و موضوعات نظری، در کنار دقت او در فرآیند

پژوهش اهمیت خاصی به نوشته‌های او بخشیده است. او در کتاب اخیر خود «نابرابری: چه می‌توان کرد؟» اصلاح طلبی رادیکال جدید را بررسی می‌کند. اتکینسن با مروری تاریخی به نظام مالیاتی انگلستان، راهکارهایی برای کاهش نابرابری از طریق اصلاح نظام مالیاتی مطرح کرده است. برخی مالیات‌ها را این گونه تعریف کرده‌اند که: وجوده اجباری، غیر جبرانی و غیر قابل برگشت است که دولت‌ها برای مقاصد عمومی به موجب قانون از مردم دریافت می‌کنند. چند ویژگی در این تعریف وجود دارد که آن‌ها را از نهادهای مشابه متمایز می‌کند.

### محورهای اقتصادی تحول نظام مالیاتی

توسعه بیشتر نظام مالیات بر ارزش‌افزوده، بازنگری قوانین و مقررات مالیاتی با در نظر گرفتن تغییر نیازها، اجرای طرح جامع مالیاتی و... از محورهای اصلی تحول نظام مالیاتی بوده است. تحولی که اصلاح موفق ساختار اقتصاد، توسعه فعالیت‌های تولیدی و توسعه کیفی بخش خدمات، گسترش پایه‌های مالیاتی و حذف معافیت‌های غیرضروری، رفع محدودیت‌های بودجه‌ای سازمان، تأمین نیروی انسانی، اتخاذ تمام تدابیر قانونی را به دنبال داشته باشد. که این موارد خود نقش بسیار مهمی در ارتقای درآمدهای مالیاتی و درنتیجه توسعه و آبادانی کشور ایفا می‌کند (منصورآبادی، ۱۳۹۲: ص ۳۴).

دست‌اندرکاران و صاحب‌نظران اقتصادی معتقدند: ایجاد امنیت، رفاه اجتماعی و گسترش خدمات از مزایای پرداخت مالیات است و باید با فرهنگ سازی مناسب، مردم را از مزایای پرداخت مالیات آگاه کرد.

به اعتقاد آن‌ها، مردم باید مالیات را جزئی از بدھی خود به دولت بدانند و پرداخت بهموقع مالیات باید در جامعه به یک فرهنگ عمومی تبدیل شود تا مردم مالیات خود را به موقع پرداخت کنند. صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند: بهبود نظام مالیاتی بدون توجه به سیاست‌هایی که مبنی بر ارتقای فرهنگ مالیاتی باشد، محقق نمی‌شود و با توجه به اهمیت مالیات در پیشبرد اهداف اقتصادی دولت، شناسایی ویژگی‌ها و نوع کارکردهای مالیات‌های اسلامی می‌تواند جهت‌گیری کلی نظام مالیاتی را آشکار ساخته و دستیابی به اهداف مدنظر سند چشم‌انداز توسعه در بخش مالیاتی را تسريع بخشد (خوی نژاد، ۱۳۹۱: ص ۷۴).

تحقیق اهداف اقتصادی دولت بهخصوص در بحث مالیات، نیازمند اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی است و مردم باید در خصوص نحوه دریافت مالیات، هزینه کردن و میزان تأثیرگذاری آن بر اقتصاد و عمران و آبادانی کشور اطلاعات و شناخت کافی داشته باشند. مبتابراین اراده مردم، عمدۀ ترین نقش را در اجرای قانون مالیات‌ها ایفا می‌کند و به این لحاظ مؤثرترین عامل موفقیت در اجرای این قوانین، فرهنگ مالیاتی جامعه است (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۹: ص ۶۵).

### الزام به وصول نقدی مالیات

وصول مالیات به دو شکل نقدی و جنسی صورت می‌گیرد. در گذشته مالیات به اصول دلیل کم بودن پول در دست مردم بیشتر به صورت جنسی صورت می‌گرفت در حالی که امروزه اصل بر وصول نقدی مالیات است و اخذ مالیات به صورت جنسی جنبه‌ی فرعی و استثنایی دارد. افزون بر این چون مالیات برای انجام مخارج مملکتی است، باید به صورت نقد پرداخت شود و هر روشی غیرازاین، خاطری بیگاری را زنده می‌کند (رستمی؛ ۱۳۹۳: ص ۱۶۴).

الزام مؤدى در رساندن مبلغ مالیات به حساب خزانه در ایران: ماده‌ی ۱۶۴ ق.م.۰ م در این زمینه مقرر می‌دارد: سازمان امور مالیاتی کشور مکلف است به منظور تسهیل در پرداخت مالیات و تقلیل موارد مراجعة مؤدىان به ادارات امور مالیاتی حساب مخصوصی از طریق بانک مرکزی در بانک ملی افتتاح نماید تا مؤدىان بتوانند به شعب یا بانجهای بانک مزبور مراجعت و مالیات‌های خود را به حساب مذکور مستقیماً پرداخت نمایند. در ماده‌ی ۲۱ قانون مالیات بر ارزش افزوده نیز به واریز مالیات از سوی مؤدى به حسابی که وزارت امور اقتصادی و دارایی (خزانه‌داری کل کشور) تعین و سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می‌کند، حکم نموده است. طبق این ماده، قدرت عمومی مالیاتی ایجاد می‌کند تا مؤدى مالیات را به صورت نقدی به حساب خزانه واریز نماید و مسؤولیت خطرات ناشی از پرداخت مالیات را پذیرد و در مقابل، دستگاه مالیاتی موظف است برای حصول این مقصود به ایجاد حساب اقدام نماید. (پیرنیا، ۱۳۸۸: ص ۱۱۹).

الزام مؤدى در رساندن مبلغ مالیات به حساب خزانه در انگلستان: مهلت پرداخت مالیات در انگلستان ۳۱ ژانویه است که طی آن مؤدى می‌بایست تا موعد پرداخت نماید اما همانطور که در مبحث قبلی نیز اشاره گردید، شخصی بودن پرداخت در انگلستان به نحو دیگری قابل حصول است.

در این راستا یکی از روش‌هایی که در انگلستان از طریق خدمات الکترونیک تحقق می‌پذیرد، وصول مالیات به صورت تأیید مستقیم بدهی است که به دستگاه مالیاتی اجازه می‌دهد که مبلغ بدهی مالیاتی را هرچه از حساب بانکی سریع‌تر و ساده‌تر دریافت کند. در این روش، بدهی مالیاتی مستقیماً مؤدى با همکاری بانک موردنظر پرداخت خواهد شد (**Fiscal for Institute**، ۲۰۱۱). با این کار امنیت، سرعت و سادگی پرداخت به مرتب بیشتر بوده و دیگر نیازی به حضور شخصی مؤدى و حمل پول و پرداخت دستی وجود نخواهد داشت. البته این روش‌ها در ایران نیز به مرور در حال اجراست و با تلاش سازمان مالیاتی، پرداخت الکترونیکی مالیات روزبه‌روز گسترش می‌یابد. از روش‌های دیگری که مؤدىان برای پرداخت مالیات در انگلستان می‌توانند استفاده کنند، دادن چک و کارت اعتباری است. البته پرداخت پستی نیز متفقی نیست، ولی با توجه به بازدهی و امنیت بالای پرداخت‌های الکترونیکی کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. به‌حال چنانچه این روش از سوی مؤدى اتخاذ شود، می‌بایست هفته قبل از موعد پرداخت ارسال گردد.

### تحلیل پیش‌پرداخت مالیاتی در نظام مالیاتی

پیش‌پرداخت مالیاتی روشی است که در آن قانون‌گذار به قدرت عمومی مالیاتی این امکان را می‌دهد تا پیش از قطعیت مقدار مالیات، مبلغ مالیات را از مؤدى دریافت نماید و این راهکاری در مقابل مؤجل بودن و طولانی شدن روند رسیدگی، تشخیص و قطعیت مالیات‌های مستقیم محسوب می‌گردد (عبدالحسینی، ۱۳۹۱: ص ۱۵۸).

پیش‌پرداخت مالیاتی در نظام مالیاتی ایران: در ایران بر طبق ماده ۱۶۶ ق.م.۰، سازمان امور مالیاتی کشور می‌تواند قبض‌های پیش‌پرداخت مالیاتی را تهیه و برای استفاده مؤذیان عرضه نماید. قبض‌های یادشده بانام و غیرقابل انتقال بوده، در موقع واریز مالیات مؤدى مبلغ پیش‌پرداخت به‌اضافه دو درصد آن به ازای هر سه ماه زود پرداخت از بدھی مالیاتی مربوط کسر خواهد شد. در این ماده از آنجهت که مؤدى با این روش بخشی از مالیات را زودتر از موعد می‌پردازد و از هجوم سنگین مالیات در موعد قانونی جلوگیری می‌کند، دو درصد به ازای هر سه ماه پرداخت زودتر، جایزه به او تعلق خواهد گرفت که قطعاً به نفع وی نیز خواهد بود (پیرنیا، ۱۳۸۸: ص ۸۹).

پیش‌پرداخت مالیاتی در نظام مالیاتی انگلستان: در حقوق مالیاتی انگلستان نیز ممکن است دستگاه مالیاتی ضمن ارسال نامه مربوط به محاسبه مالیات مؤدى، به وی اعلام نماید که می‌بایست او مبلغی را به عنوان پیش‌پرداخت در سال جاری مالیاتی برای سال آتی مالیاتی بپردازد. اگر چنین اتفاقی صورت پذیرد، این مقدار بر اساس درآمدی خواهد بود که مؤدى در سال گذشته کسب نموده است و دستگاه مالیاتی هم اصل را بر این می‌گذارد که درآمد مؤدى در سال آینده نیز به همان مقدار خواهد بود (Abraham, Henry Julian, 1998).

در مورد بازپرداخت مالیات اضافه، انتقال به حساب بانکی مؤدى هم برای مؤدى و هم برای دستگاه مالیاتی بسیار امن‌تر و ساده‌تر می‌باشد. بنابراین مؤدى باید در پر کردن فرم‌ها در هنگام ثبت‌نام دقت کافی داشته باشد تا اشتباھی رخ ندهد. چنانچه مبلغ اضافی حتی کمتر از ۱۱ پوند باشد، معمولاً برای مالیات سال‌های بعد مؤدى محاسبه خواهد شد. در این صورت نیز اگر مؤدى درخواست بازپرداخت مبلغ ناچیزی را ننماید، دستگاه مالیاتی آن مبلغ را به وی بازخواهد گرداند.

در صورتی که مؤدى شماره حساب تعیین نکند، مبلغ بازپرداخت از طریق چک به آدرس منزل مؤدى فرستاده خواهد شد. هرچند این روش امنیت و سرعت کمتری خواهد داشت؛ بنابراین تهیه و عرضه قبض‌های پیش‌پرداخت مالیاتی از اقتدارات عمومی مالیاتی در دو کشور ایران و انگلستان محسوب می‌گردد. با این تفاوت که در ایران به اختیار اداره و مؤدى است، اما در انگلستان به اختیار اداره و اجراء مؤدى است. علی‌الحساب و پیش‌پرداخت مالیاتی هرچند در هدف یکسان بوده و برای جلوگیری از کاهش تبعات طولانی‌مدت وصول مالیات وضع شده‌اند، ولی به نظر می‌رسد با توجه به مواد فوق جنبه

اجبار و الزام قدرت عمومی در علی‌الحساب مالیاتی بیش از پیش پرداخت مالیاتی است (پیرنیا، ۱۳۸۸: ص ۹۱).

اقتدار دستگاه مالیاتی درباره شیوه وصول مالیات باگذشت زمان و همزاد با تحولات اجتماعی، نظام مالیات دچار تحول و نوآوری شد تا اداره مالیات بتواند از روش‌هایی مناسب‌تر و مطلوب‌تر برای وصول مالیات استفاده کند. برخی از تضمین‌هایی که قدرت عمومی مالیاتی در راستای وصول مالیات از آن‌ها بهره می‌برد، درباره شیوه پرداخت مالیات است که در این قسمت به سه نمونه از این تضمین‌های مربوط به شیوه وصول مالیات که شامل غیرقابل تهاصر شدن بدھی مالیاتی، مسئولیت مؤدى در رساندن مالیات به صندوق خزانه و وصول نقدی مالیات می‌باشد، در حقوق مالیاتی ایران و انگلستان اشاره می‌گردد.

### نتیجه گیری

مصادیق اعمال اقتدار عدالت مالیاتی در حقوق مالیاتی ایران و انگلستان را که از سوی قوانین و مقررات تعیین شده است، می‌توان از دو جنبه زمان و شیوه وصول موربدبررسی قرارداد. در ابتدا قدرت عمومی مالیاتی در ارتباط بازمان وصول مالیات مطرح است. از این جنبه می‌توان به مواردی از جمله وصول فوری مالیات، تقسیط مبلغ مالیات پرداخت علی‌الحساب و پیش‌پرداخت مالیاتی اشاره داشت که همه در یک راستا بوده، هدف واحدی را دنبال می‌کنند و آن اینکه مؤدى می‌بایست به محض اینکه مالیات متعلقه تشخیص و تعیین شد، در مهلت مقرر نسبت به پرداخت آن اقدام نماید و به همین دلیل دستگاه مالیاتی انگلستان همواره تلاش نموده تا با به روز کردن شیوه‌های پرداخت، بر سرعت وصول مالیات بی‌افزایید و یا اینکه اجازه داده است تا بدھی مؤدىانی که بدحساب بوده و قادر به پرداخت مالیات متعلقه نباشند، به برخی نهادهای خصوصی که وظیفه وصول بدھی‌ها را بر عهده دارند، سپرده شود. اشکال دیگر از اقدارات عدالت مالیاتی ایران و انگلستان برای وصول مالیات از آن‌ها بهره می‌برد، درباره شیوه پرداخت مالیات است که شامل غیرقابل تهاصر شدن بدھی مالیاتی، مسئولیت مؤدى در رساندن مالیات به صندوق خزانه و وصول نقدی مالیات خواهد بود که همگی هدف وصول مالیات به ساده‌ترین و به صرفه‌ترین شیوه را دنبال می‌نمایند در پاسخ به سوالات پژوهش نیز باید بیفزاییم:

۱. با توجه به شرایط کنونی اقتصاد کشور و بر اساس آموزه‌های علم اقتصاد، اگر اقتصاد یک کشور در حالت رکود باشد، سازمان‌ها و نهادهای قانون‌گذار در موراجرای احکام مالیاتی باحتیاط بیشتری عمل کنند. سازمان امور مالیاتی کشور و نهادهای قانونی می‌توانند با بخشش‌ها و حمایت‌های تولید‌کنندگان خرد و کوچک و غلالان اقتصادی هم عدالت مالیاتی را اجرایی کنند و به کمک اقتصاد کشور بایند و یک اقتصاد زمانی می‌تواند از حالت رکود تورمی بیرون بیاید که سرمایه‌گذاری را افزایش داده، قانون

بهبود فضای کسب و کار را اجرایی کرده، حامی اصلی تولید و تولیدکننده باشد و شرایط را برای سرمایه‌گذاری فعالان اقتصادی داخلی و خارجی مهیا کند.

با توجه به مطالب فوق، سوال اصلی پژوهش مبنی بر اینکه «افزایش فرهنگ مالیاتی، قدرتمند نمودن چرخه اقتصادی کشور و قوانین کسب کار، جلوگیری از اخلال در اقتصاد از طریق فاچاق کلا و اقتصاد زیرزمینی، ساماندهی مالیات هرچه بیشتر توسط وزارت اقتصاد و تغییر در الگوی فرار صادق مالیاتی، طرق اصلی دستابی به نظام حقوق عادله مالیاتی در ایران و انگلستان می‌باشد» صادق است.

۲. تجربه ثابت کرده که ظرافت و عدالت در اصول مالیات باید تا حدی رعایت شود. کشور از یک سو نیاز به درآمدهای مالیاتی دارد و از سوی دیگر باید شرایط پرداخت کنندگان مالیات هم در نظر گرفته شود این موضوع می‌تواند به عنوان بزرگ‌ترین چالش سازمان های قانون‌گذار تبدیل شود. دولت باید از هر نوع درآمد مشروع و شناخته شده ای مالیات بگیرد، ضمن آن که در شناسایی درآمدها ناتوان است و در غالب اظهارات نیز رقم درآمد بسیار کمتر ذکر می‌شود اما بی توجهی دولت به برخی درآمدهای مشمول مالیات نیز جای تعجب دارد. مالیات بر ارث بسیار ناقص اجرا می‌شود، مالیات بر درآمد مستقلات و املاک ناچیز است اما بی‌شك یکی از مهم‌ترین راههای تعیین مالیات عادله تعیین درآمدهای واقعی است.

راه حل دیگر این است که دولت با بررسی و ارزیابی عملکرد گذشته و بهره‌گیری از تجربیات می‌تواند بسیاری از معافیت‌های مالیاتی و تعرفه‌ها را عنوان کند. اعمال عالمانه و خردمندانه این ابزار نیرومند نه تنها می‌تواند برای توسعه صنایع و تولید در کشور مفید و سازنده باشد، بلکه افزایش درآمدهای کلان مالیاتی را نیز به دنبال خواهد داشت. با توضیحات فوق سوال فرعی اول در این مورد که «به نظر می‌رسد با در نظر گرفتن کسب هر نوع منبع درآمدی مشروع، توجه به شرایط پرداخت کنندگان مالیات، رفع نواقص مالیات بر ارث و مستقلات و املاک و واقعی نمودن درآمدها می‌توان به اهداف مالیاتی و اهداف اقتصادی دست یافت» اثبات می‌گردد.

۳. نبود یک قانون جامع مالیاتی در کشور یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد کننده این بی‌اعتمادی در میان مردم است. متأسفانه به دلیل عدم شناسایی عده‌ای از مشاغل توسط نهادهای قانون‌گذار و مسئول و هم نبود یک قانون جدی برای برخورد با جرائم مالیاتی، پنهان‌کاری و عدم الزام در پرداخت مالیات وجود دارد. اما مهم‌ترین دلیل همان بی‌اعتمادی است. در اقتصادی که بیش از نیمی از اقتصاد آن زیرزمینی است چگونه می‌توان به دنبال شفاقت مالی بود و انتظار اعتماد در این فضای غیر شفاف داشت. در حال حاضر، مالیات از بخش شفاف اقتصاد یعنی کسانی که دارای کارت بازرگانی هستند، اظهارنامه به سازمان امور مالیاتی می‌دهند و حقوق بگیران گرفته می‌شود که در این میان کارمندان دولت و حقوق بگیران در صدر قرار دارند البته این گروه هم به اجراء و نه از روی اختیار مالیات پرداخت می‌کنند. پس با این توضیحات، سوال فرعی دوم مبنی بر اینکه «به نظر می‌رسد، نبود یک قانون جامع مالیاتی،

عدم شناسایی عده‌ای از مشاغل مالیاتی و نبود یک قانون جدی برای برخورد با جرائم مالیاتی، علت بی‌اعتمادی مردم در پرداخت مالیات و نبود فرهنگ پرداخت مالیاتی می‌باشد» اثبات می‌شود.

۴. از دلایل عده‌ای رقم پائین درآمد مالیاتی، اقتصاد دولتی است. آنچه واضح و مبرهن است برخی شرکت‌های سود ده تجاری با آنکه حجم قابل توجهی از بودجه دولت را می‌بلعند، اما مالیات نمی‌دهند. در جدیدترین قانون مصوب مجلس شورای اسلامی برای متخلفان مالیاتی جرائمی از جمله حبس در نظر گرفته شده است. این قانون نه تنها عاملی برای پرداخت مالیات نیست، بلکه خود به یک عامل بازدارنده برای پرداخت مالیات و فعالیت‌های سالم اقتصادی تبدیل شده است. دفاتر حسابداری شرکت‌ها یکی از برگترین عوامل تخلفات مالیاتی در کشور هستند. هر تلاش بازدارنده‌ای که منجر به عدم وصول مالیات می‌شود، جزء وظایف حسابداران در شرکت‌ها محسوب می‌شود. در سراسر دنیا حسابداران سوگند یاد می‌کنند که دفاتر حسابداری را طوری تنظیم کنند که هم منافع فعال اقتصادی تأمین شود و هم منافع دولت دچار آسیب نشود. اما سیستم دو یا سه دفتری حسابداری در کشور، از رایج‌ترین روش‌های فرار از مالیات است که باید چاره‌ای اندیشید. اقتصاد یک جاده دوطرفه است. نهادهای قانون‌گذار باید این مسیر را برای رفت‌وآمد هر دو طرف این و هموار کنند. اگر سخت‌گیری‌ها و مشکلات اولیه قانونی وجود نداشته باشد فعل اقتصادی با آرامش خاطر ییشتی فعالیت خود را آغاز کرده و تمام تلاش خود را برای دور زدن قانون و فراز از قوانین به کار نمی‌بندد. برای از بین رفتن این فرهنگ نیاز به فرهنگ‌سازی و کار فرهنگی است. زندان و حبس هیچ تأثیری در از بین بردن این فرهنگ غلط در جامعه ندارد. تمام نهادها در جامعه باید دست در دست هم فرهنگ مالیات را در کشور شناخته تر کنند. فهم مشترک بین مودیان مالیاتی با دستگاه مالیاتی در سایه آموزش‌های لازم فراهم می‌شود.

مودیان و تمامی افراد جامعه باید آگاهی داشته باشند که مالیات، سهم ما از زندگی اجتماعی است و آموزش در این زمینه بسیار مهم است و باعث می‌شود که کمترین چالش را داشته باشیم و درنهایت به فهم مشترک بین دستگاه مالیاتی و مودیان مالیاتی برسیم. این هدف تنها با همپوشانی و دست‌به‌دست دادن تمامی وزارت‌خانه‌های مرتبط حتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و همکاری آن‌ها با سازمان امور مالیاتی کشور، وزارت امور اقتصاد و دارایی و تمامی نهادهای قانون‌گذار محقق می‌شود. با این وصف، سوال فرعی سوم نیز در مورد اینکه «به نظر می‌رسد، خلاً قانونی و عملکرد نهادهای قانون‌گذار، مهم‌ترین دلیل فرار مالیاتی شرکت‌ها و پائین آمدن درآمدهای مالیاتی در کشور است» اثبات می‌گردد.

### فهرست منابع و مأخذ

#### الف: کتاب

- پیرنیا، حسین، (۱۳۸۸)، مالیه عمومی مالیات‌ها و بودجه، تهران، انتشارات ابن سینا، چاپ ۹.
- خوی نژاد، غلامرضا، (۱۳۹۱)، روش‌های پژوهش در علوم تربیتی، تهران، انتشارات سمت، چاپ ۵.
- رستمی، ولی، (۱۳۹۳)، مالیه عمومی، تهران، انتشارات میزان، چاپ ۲.
- قربانی، فرج‌اله، (۱۳۸۸)، مجموعه آرا وحدت دیوان عدالت اداری و قانون دیوان عدالت اداری، تهران، انتشارات فردوسی، چاپ ۳.
- قاری سید فاطمی، محمد، (۱۳۸۹)، حقوق بشر در جهان معاصر، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- موسی‌زاده، رضا، (۱۳۸۹)، حقوق اداری ۱ و ۲، کلیات و ایران، نشر میزان، چاپ ۱۸.

#### ب: نشریه

- آقایی، الله محمد و خوانساری، شهرزاد، (۱۳۸۹)، {کارایی اجرای مالیات بر ارزش افزوده}، پژوهشنامه اقتصادی، شماره اول، از ص ۹۱ تا ۱۰۸.
- منصورآبادی، عباس، (۱۳۹۲)، {حق تجدیدنظر در فرآیند دادرسی عادلانه}، مجله اندیشه‌های حقوقی، شماره ۸، از ص ۶۱ تا ۸۹.
- نادران، الیاس، (۱۳۸۷)، {مالیات بر ارزش افزوده روشها و آثار}، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۶، از ص ۵۷ تا ۷۲.

#### ج: پایان نامه‌ها

- عبدالحسینی، ابوالقاسم، (۱۳۹۱)، آین رسیدگی به اختلافات مالیاتی انگلستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- کتابی روڈی، احمد، (۱۳۹۲)، بررسی امتیازات قدرت عمومی در حقوق مالیاتی ایران و انگلستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

— Abraham, Henry Julian, 1998; an introductory analysis of the courts of the United States, England, and France, New York, Oxford University Press, seventh edition .

— Fiscal for Institute, UK, System Tax UK the of Survey A (2011) Stuart, Adam. 8. No, Note Briefing, Studies .

